

نامیدنودن به هر ترندگی

شهروند ۱۱ سال بیشتر است در تهران زندگی می‌کند و حالا با تمام اصرار خانواده رغبتی به بازگشت ندارد. همان ۱۱ سال پیش برای یک مقطع کوتاه آمد تهران اما ماندگار شد: «آب تهران وابستگی می‌آورد.» خانواده پرجمعیت یوسف شیراز زندگی می‌کنند و روز به روز به جمعیت این خانواده اضافه می‌شود. همین چندسال پیش بود که خانه بزرگ آنها محل بازی ۴ پسر و یک دختر بود اما حالا عروس‌ها و نوه‌ها به آنها اضافه شده است. خانواده‌های بزرگ که همگی یک‌جا زندگی می‌کنند، البته نه در یک خانه بلکه در خانه‌های جدا در یک کوچه. پدر و مادر یوسف دوست دارند همه بچه‌ها و نوه‌هایشان پیش خودشان باشد و هر روزشان را با دیدن نوه‌ها شروع کنند و برای همین هر روز صبح اولین کار نوه‌ها به صدا درآوردن در خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ است و تا خود شب آن‌جا می‌مانند و بعضی شب‌ها را هم همان‌جا می‌مانند و این تمام لذت پدر و مادر یوسف از زندگی است. پدر یوسف تمکن مالی دارد و برای همین توانسته، همیشه پشتوانه مالی خوبی برای بچه‌هایش باشد، البته همه به جز یوسف! به این جرم که از خانواده جدا شده و در تهران زندگی می‌کند. پسرهای خانه یوسف وقتی بزرگ می‌شوند و پشت‌لیشان سبز می‌شود و مدرک دیپلم را زیر بغل دارند، باید وارد کار و کاسبی شوند و نان درآوردن را بیاموزند، این قانون کهنه این خانواده است: کاری که پدر انجام داده و پدر بزرگ تعریف کرده که پسر و پدر بزرگش هم همین‌طور بوده‌اند. اما یوسف این قانون را دوست نداشت و می‌خواست درس بخواند، اگر چه پدر مخالفتی با آن نداشت هر چند آن را الزامی هم نمی‌دید. یوسف برخلاف قانون پدر تا کارشناسی ارشد درس خواند و از آنجایی که قانون را زیر پا گذاشته بود، هم کار کرد، هم درس خواند؛ از کارگری تا کارمندی. هر سه برادر یوسف روی ماشین‌های سنگین و تریلی کار می‌کنند؛ ماشین‌هایی که به پشتوانه مالی پدر تهیه شده‌اند و وسیله‌ای‌اند برای تأمین معاش پسرها. اما یوسف واکنشش را دوست نداشت آن هم راننده ماشین سنگین! پدر یوسف بعد از همه این سال‌ها همچنان ناامید نیست و به هر ترندگی شده، می‌خواهد یوسف را در شیراز ماندگار کند، برای همین خانه‌های برایش خریده اما حق فروش ندارد و شرط بازگشتش به شیراز است اما یوسف زیر بار شرط پدر نمی‌رود، حتی زمانی که از کار بیگار شده بود و در مغازه دیگران کارگری می‌کرد و روزهایی که تنها یک وعده غذا می‌خورد، زیر بار این تصمیم نرفت، چون معتقد بود هر آدمی یک‌بار حق زندگی دارد و باید خودش آن‌طور که دوست دارد، زندگی‌اش را بسازد. اما پدر همچنان سرسختانه روی قانون و تصمیم پافشاری می‌کند و بی‌اعتنا از کنار سختی‌هایی که یوسف می‌شکند، می‌گذرد تا او را مجبور به اطاعت کند. یک‌سال می‌شود که یوسف با دختری آشنا شده و می‌خواهد باقی عمرش را با او شریک شود اما این تصمیم برای خانواده مخصوص پدر قابل هضم نیست. یوسف اما مثل همیشه روی تصمیم خود مصر است. «تا به امروز هیچ تصمیم اشتباهی نگرفته‌ام، تنها می‌خواهم مستقل باشم و زندگی‌ام را آن‌طور که دوست دارم، بسازم و به نظر من هم اشتباه نیست. شاید برادرانم از شرایط زندگی‌شان راضی باشند اما من از همان اول هم برعکس خیلی از پسرهای علاقه‌ای به تریلی و کامیون و... نداشتیم و در رویاهایم زندگی دیگری را متصور بودم و حالا به دنبال ساختن آن هستم و نمی‌خواهم به کسی اجازه بدهم آن را خراب کند.» یوسف هم به دلیل شرایط اقتصادی کارش را از دست داده و حالا برای گذران زندگی در اسنپ کار می‌کند، البته روزهای جمعه را کار نمی‌کند و پنجشنبه‌ها را هم پاره‌وقت کار می‌کند، چون معتقد است برای زندگی هم باید فرصت داشت. مواقعی که سرکار نیست، کتاب می‌خواند و فیلم می‌بیند، چون بر این باور است که روح انسان هم نیاز به خوراک دارد، البته خیلی خوب نی‌می‌زند؛ بیشتر زمان‌هایی که دلش گرفته، نی‌روای لیش می‌گذارد و ناگفته‌هایش را در طنین صدای نی می‌گوید و کمی دلش را تسکین می‌کند. «زندگی خیلی سخت نیست اما متأسفانه خیلی از ما آن را سخت می‌کنیم تا جایی که برای خودمان و اطرافیانمان طاقت فرسا می‌شود. کاش بیاموزیم همه چیز خیلی ساده‌تر از آن چیزی است که باور داریم.»

تحقیقات نشان می‌دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.

۱۱ در صد افراد بالای ۲۵ سال مبتلا به دیابت نوع دو

مدیر برنامه کشوری پیشگیری و کنترل دیابت وزارت بهداشت می‌گوید که در ایران ۱۱ درصد افراد بالای ۲۵ سال (بیش از ۵ میلیون نفر) با تشخیص دیابت نوع دو و ۱۸ درصد افراد بالای ۲۵ سال نیز پره دیابتیک شناسایی شده‌اند. علیرضا مهدوی در این باره گفت: «در حال حاضر ۴۲۰ میلیون فرد ۲۰ تا ۷۰ ساله در دنیا به بیماری دیابت نوع دو مبتلا هستند و این آمار تا سال ۲۰۴۵ به بیش از ۶۹۰ میلیون نفر در جهان خواهد رسید.» او ادامه داد: «افراد بالای ۳۰ سال که اضافه‌وزن دارند و در معرض چاقی هستند، بیشترین مبتلایان به دیابت را تشکیل می‌دهند.»

گزارش «شهروند» درباره مدارس طبیعت کشور که در خلأ قانون، یکی یکی تعطیل می‌شوند

کسی به «طبیعت» مجوز نمی‌دهد

سازمان حفاظت محیط زیست صدور مجوز مدارس طبیعت را به وزارت آموزش و پرورش واگذار کرده، اما این نهاد تا امروز مجوزی صادر نکرده و در عوض برای فعالیت این مجموعه‌ها محدودیت ایجاد کرده است



مدرسه طبیعت «دار بانان» اوسان، عکس: نسیم عجمی / شهروند

گفتند کف باغ را آسفالت کنید

وقتی سختی برای تولید آن باید کشید، یا مثلاً فکر می‌کنند تخم مرغ‌ها در کار خانه تولید می‌شود، اینها را در کود کالی که برای بار نخست به مدارس طبیعت آمده‌اند، دیده‌ایم. این سه هفته‌ای که به تعطیلی کالی کتج گذشت، می‌توانست نتیجه خوشایندی برای تمام بچه‌هایی داشته باشد که هر روز به این جامی آمدند. این جافضایی برای ۵ ساعت بازی و شادی کودکان بود. آرش کرمانشاهی، مدیر مدرسه طبیعت دار بانان آبی هم به «شهروند» می‌گوید: «ما هم هنوز در دست نمی‌دانیم که این فشارها به چه دلیل است، اما برای هر کدام از همکاران فعال در این حوزه، گیر و گری ایجاد کرده‌اند. به هر مدرسه‌ای ایرادی وارد کرده‌اند. حالا باین حرف رئیس سازمان محیط زیست که دیگر مجوزی نخواستند، دلیل خوبی برای بستن این مدرسه‌ها ایجاد شده است. بعد از این بدون بهانه فقط کافی است بگویند فعالیت شما بدون مجوز است. هنوز به فعالیت مدرسه دار بانان اشنکالی وارد نشده، اما این روند ما را ناامید کرده است.» نبودن تعریفی برای مدارس طبیعت و فشار به آنها به عنوان مجموعه‌هایی نو در حالی است که مدرسه‌های امروزی هم در گام نخست برای مدت‌ها دچار چالش بودند و طول کشید تا طوری پذیرفته شوند که امروز کمتر خانواده‌ای مدرسه رفتن کودک‌ش را متصور باشد.

مدیرسه طبیعت کالی کتج مجوز فعالیت ندارد و مجوز صادر شده از طرف سازمان حفاظت محیط زیست هم خلاف قانون است. او به ماده ۲ قانون تأسیس و توسعه مدارس غیردولتی اشاره می‌کند که براساس آن هیچ واحد و مجموعه‌ای بدون اخذ مجوز از اداره آموزش و پرورش، حق فعالیت آموزشی و پرورشی ندارد و «اگر آنها در خواست فعالیت دارند، باید دنبال گرفتن مجوز باشند.» اینطور که او می‌گوید هر کس در خواست داشته باشد، می‌تواند مجوز بگیرد. اما به شرطی: «فرا ایندهای مجوز به متقاضی شامل یک سری موارد قانونی است که باید رعایت شود؛ مثل استعلاماتی که باید از واحدهای مربوطه گرفته شود.» محدودیت‌های دیگری هم هست: «در نواحی مختلف و شهرستان‌های تابعه، ظرفیت محدودی برای صدور مجوز فعالیت مدرسه غیردولتی وجود دارد که براساس امتیاز متقاضیان ترتیب اثر داده می‌شود. پس از این یکسری استعلامات از طریق زیرمجموعه‌های آموزش و پرورش بررسی می‌شود تا در نهایت مجوز صادر شود»

مشاورزاده هم اعلام آمادگی می‌کند که «از هر نهادی که مسئولان می‌گویند مجوز می‌گیریم به شرطی که فکرها مشخصی را برای صدور مجوز مدرسه طبیعت معرفی کنند.» شبیه رفت و آمدهای مسئولان مدرسه طبیعت کالی کتج به ادارات برای مسئول مدرسه طبیعت تسهیم شهر همان هم در حال تکرار است. او از مدتی پیش در حال رایزنی با آموزش و پرورش برای گرفتن مجوز فعالیت است و به علت زمان‌بندی فراوان این کار، خواستار مساعدت و مهلت بیشتری شده. از زمانی که او تلاش برای گرفتن مجوز را شروع کرده، سه ماه به او مهلت داده‌اند، یعنی تا در اسفند ماه مهلتی که به زودی سر می‌آید وقت تعطیلی مدرسه می‌رسد.

مجیدی فر می‌گوید: «برای مجموعه پلمپ شده هم باید این فرآیند طی شود؛ اگر قرار است در قالب مدرسه فعالیت کنند، باید از آموزش و پرورش در خواست کنند، تا اگر قانوناً شرایط و امتیازات لازم را داشتند، طبق روال قانونی در خواستشان بررسی شود. این در حالی است که مدرسه کالی کتج و اگر فاز آموزش شده و این چارچوب را رعایت نکرده است، اگر مجموعه‌ای از عنوان «مدرسه» استفاده می‌کنند، باید فعالیتش آموزشی و پرورشی بوده و مجوز گرفته باشد.»

هنوز دستورالعمل مشخصی برای صدور مجوز فعالیت مدارس طبیعت تعریف نشده و با تعطیلی تعدادی از این مجموعه‌ها در کشور، مسئولان آن سر در گم شده‌اند. برای این موضوع مشاورزاده از اعضای مدرسه کالی کتج چنین مصداقی می‌آورد: «چند وقت پیش از ادارا مهی داشت به مدرسه آمدند و گفتند کف فضا را باید آسفالت باسیمان کنید، چون این یک دستورالعمل است.» او این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «آموزش و پرورش مشاهده‌ها را سه روز حادتر در مدرسه، دویدن دانش‌آموزان را قغن می‌کند؛ بچه‌هایی بودند تا آسیب نبینند این در حالی است که کودکی که تحرک ندارد، زودتر از کودکان تحرک آسیب می‌بیند.»

مشاورزاده با گله از این محدودیت‌ها در حالی که نیر و هیای این مدارس بخش عمده‌ای از کار را در اول طبله انجام می‌دهند، می‌گوید: «وزیر آموزش و پرورش چندی پیش در یک سخنرانی می‌گفت که کنکور و نظام آموزشی در آمدن آسیب‌ها را دیده‌اند. این را می‌گویند اما قانونی هست که به کلاس‌های آموزشی کتج و کتاب‌های تست مجوز فعالیت و چاپ می‌دهد. اما برای ما که تنها دغدغه‌ها را تباطو کتج با طبیعت را داریم، قانونی وجود ندارد. بدون مدارس طبیعت بچه‌هایی در فضاهای بسته پرورش می‌یابند، نمی‌دانند نان از گندم درست می‌شود

به گفته او در طول مدت فعالیت کالی کتج، تقاضای برای آوردن کود کان به این مجموعه چنان زیاد شده بود که دیگر نه پاس‌خکوی گنجایش باغ بودند، نه تسهیلگرانی که باید هر کدام مراقب ۴-۵ کودک می‌بودند. نخستین مدرسه طبیعت ایران علاوه بر آشتی کودکان با طبیعت، در شرایط بحران اقتصادی، اشتغال‌زایی کرده بود، خیرین هم پایه‌میان گذاشته و خانواده‌ها ضرورت امر وجود چنین فضای را در ک کرده بودند. حالا اما یک مورد کم است: «حمایت یک سازمان دولتی برای صدور مجوز.» حمایتی که البته با وجود بخشنامه سازمان محیط زیست هم جایش خالی است.

اما چرا این مجموعه پلمپ شد؟ مشاورزاده می‌گوید دلیل توقف فعالیت مجموعه مبهم بوده: «وقتی به اداره ما کن رفتیم، گفتند دادستانی نامه نوشته و باید پیگیری کنید. دادستانی هم گفت ما حکم پلمپ ندادیم، آموزش و پرورش تقریباً ۶ ماه پیش از این مجموعه شکایت کرده و امکان پیگیری نکرده است. نامه‌ای زدیم که چرا پیگیری نکرده‌اند و بعد به اداره آموزش و پرورش رفتیم. اما آن‌جا هم گفتند فعالیت مدارس طبیعت، در قالب قوانین آموزش و پرورش نمی‌گنجد.» طبق مجوزی که سازمان حفاظت محیط زیست برای فعالیت کالی کتج داده، این مجموعه از ۱۶ فروردین سال گذشته مجوز دائمی دریافت کرده است. به گفته مسئول مدرسه طبیعت کالی کتج، توقف فعالیت این مدرسه به دلیل شکایت آموزش و پرورش در حالی است که مدرسه طبیعت کالی کتج در طول فعالیتش با مسئولان این نهاد تعامل داشت و گروه‌های دانش‌آموزی با مجوز اداره آموزش و پرورش برای اردو به آن‌جا می‌آمدند.

«هر داسال پیش با گروهی از آموزش و پرورش مشهد گفتگو کردیم و وقتی دیدند مجوز ما از طرف سازمان محیط زیست بوده، گفتند ما فعالیت شما را چقدر بی‌فایده می‌دانیم. اما مشکلی ندارد. بعد از شکایت آن در آموزش و پرورش نیست، اما مشکلی ندارد. بعد از شکایت

هم به اداره آموزش و پرورش مشهد رفتیم و از آنها در خواست مجوز کردیم، گفتند باید موضوع در تهران پیگیری شود تا معلوم شود آیا چنین شاخه‌ای از فعالیت وجود دارد یا خیر. سه هفته است که کار و زندگی را تعطیل کرده‌ایم و از آن اداره به آن اداره می‌رویم. هر کجا هم که می‌رویم، محکومیم. به هر مرجعی رو می‌کنیم، می‌گویند دستورالعمل بیارید، ما چطور می‌توانیم دستورالعمل و قانون بنویسیم؟» باین که مدرسه طبیعت به عنوان شاخه‌ای از آموزش در دنیا تعریف شده، اما به نظر می‌آید آن چه کالی کتج از فعالیت باز داشته نبود، تعریفی از نوع فعالیت چنین مجموعه‌ای در ایران است. همین است که مسئولان مجموعه پلمپ شده، به هر اداره دولتی که سر می‌زنند، با چنین واکنشی مواجه می‌شوند: «قانونی درباره ضرورت راه‌اندازی این مدارس نیست» و برای باز کردن دوباره کالی کتج «باید به قانون تکیه‌ای کرد.» قانونی که البته وجود خارجی ندارد.

آموزش و پرورش خراسان رضوی: هر کسی می‌خواهد مجوز بگیرد

پیگیری اجرای تعطیلی مدارس طبیعت از وزارت آموزش و پرورش به نتیجه نمی‌رسد. مهرداد حمیدی، معاون تربیت بدنی و سلامت این وزارتخانه در واکنش به سوال «شهروند» درباره مسئولیت

آموزش و پرورش نسبت به مدارس طبیعت و تعطیلی تعدادی از این مجموعه‌ها به گفتن چند جمله کوتاه بسنده می‌کند: «ما هیچ مجوزی به مدرسه‌های طبیعت ندادیم. اینها زیر مجموعه ما نیستند. ما هیچ مجوزی نمی‌دهیم.» دست‌آخر مهدی مجیدی فر، رئیس اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان رضوی چنین توضیحی می‌دهد: «بناظر نیست که فعالیت مدرسه طبیعت کالی کتج با پیگیری اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی متوقف شده باشد. اداره اما کن نیروی انتظامی و استانداری هم شکای این مجموعه بوده‌اند. دلیل شکایت هم این است که

فروردین امسال بود که فریبا رضایی، رئیس اداره آموزش و مشارکت‌های مردمی حفاظت محیط زیست استان تهران گفت که بر اساس بخشنامه سازمان حفاظت محیط زیست صدور مجوز فعالیت برای مدارس بر عهده وزارت آموزش و پرورش است